

علیرضا انصاری

جوانان، سرمایه‌های عظیم یک جامعه، آینده‌سازان نظام و افتخار آفرین مردم‌اند. جامعه‌شناسان معتقدند جامعه‌ای سالم است که جوانانی سالم داشته باشد.

یکی از راه‌های مهم تربیت سالم، آشنایی جوانان با آموزه‌های دینی و بایدها و نبایدهاست. بایدها و نبایدهای دین به مثابه نسخه دکتر است که انسان را از بیماری‌ها نجات می‌دهد و نتیجه آن، ایجاد جامعه‌ای قانون‌مند، متمدن و سالم است. اگر در برخی روایات از پیامبر(ص) به طیب یاد شده، درست بدین معناست، زیرا حضرت با نسخه دین، بیماری‌های روحی را درمان می‌کند و مردم را به دین‌مداری فرا می‌خواند. از این رو بایسته است همه مردم به ویژه جوانان با دین بیش‌تر آشنا شوند. زندگی بدون ایمان و دین، رنج‌آور است. البته همه مردم به طور فطری، دین‌گرا هستند، ولی این امر در اثر برخی عوامل، کم‌رنگ و گاهی در برخی موارد فراموش می‌گردد.^۱ در این میان آشنایی جوانان با دین اهمیت بیش‌تری دارد، زیرا فتح قله‌های موفقیت و طی مسیر پر فراز و نشیب زندگی، با دین‌گرایی امکان‌پذیر است.

جان‌بی. کایزل می‌گوید: «بی‌ایمانی به خصوص از این لحاظ رنج‌آور است که دنیا و هر چه را که در اوست در نظر ما لغو و بی‌بهره و ناپایدار جلوه می‌دهد، در صورتی که صاحب ایمان در آفرینش و در زندگانی، منظور و مقصودی می‌بیند. ایمان است که ما را در طوفان روزگار، از افتادن و مغلوب شدن نگاه می‌دارد. کسی که مذهب ندارد، غریقی است که مدام در دریای شک و تردید و بی‌تکلیفی دست و پا می‌زند، خوب را از بد و مفید را از مضر و راست را از دروغ نمی‌تواند جدا کند و هر روز و هر ساعت، عقیده‌ای دارد و با خود و با طبیعت و با اهل دنیا پیوسته در جدال و کشمکش است.»^۲

دکتر کارل می‌گوید: «امروز نیز مانند همه اعصار، در همه کشورها، مردان و زنانی وجود دارند که زیستن برای آنان هدفی ناکافی است و حیات در نظرشان پربهارترین مواهب نیست. آنان تشنه جمال و وارستگی و عشق‌اند و می‌خواهند به خدا برسند.»^۳ با ذکر این مقدمه، اینک به برخی از راه کارهای جذب جوانان به دین اشاره می‌شود:

۱ - شناخت جوان

مشکل رهبری نسل جوان، نفهمیدن زبان، منطق، احساسات ویژه و خواسته‌های واقعی آنان است. دوره جوانی اقتضات خاص خود را دارد. جوانان به دلیل ناپختگی، کم‌تجربگی، احساسات شدید و مشکلات بلوغ، به طور طبیعی، خطاپذیرند. از طرفی، روحیه استقلال‌طلبی، زمینه چالش‌ها و تضادهایی را میان آنان و بزرگ‌ترها به وجود می‌آورد. از این رو هم نحوه برخورد با جوانان بسیار ظریف و حساس است و هم برای رهبری آنان، نیازمند شناخت دقیقی از روحیاتشان می‌باشیم.

بعضی افراد بدون توجه کافی به واقعیات دوران نوجوانی و جوانی و مشکلات ویژه آنان، واکنش تندی از خود نشان می‌دهند و چه بسا یک برخورد نسنجیده، برای همیشه جوان را از ورود به مسائل دینی برحذر دارد و همین باعث شود شبهات خود را در دلش نگه دارد و سال‌ها با آن درگیر باشد.

طرح شبهه از سوی جوانان را نباید بر بی‌دینی آنان حمل کرد. پرسش، حق جوان است. جوان با دهها سؤال بنیادی روبه‌رو است. پس باید با آغوش باز از پرسش‌های نسل جوان استقبال کرد. به سؤال‌های آن‌ها جواب داد و حتی تشویق‌هایی برای سؤال کردن در نظر گرفت. شهید مطهری نیز برای آموزش دینی جوانان به ضرورت شناخت آنان تأکید می‌نماید: «ابتدا باید نسل جوان را بشناسیم. نسل جوان، مزایا و عیب‌هایی دارد، زیرا این نسل یک نوع ادراکات و احساسات دارد که در گذشته نبود، از این جهت باید به او حق داد. در عین حال یک انحرافات فکری و اخلاقی نیز دارد و باید آن‌ها را شناخت و چاره کرد...»^۴

۲ - نهادینه کردن دین در خانواده

خانواده به عنوان نخستین کانون تعلیم و تربیت، نقش عمده‌ای در برقراری ارتباط جوان با دین دارد. ستون فقرات دین‌مداری، در خانواده شکل می‌گیرد، رفتار و گفتار اعضای خانواده، مؤثرترین عامل گرایش جوانان به دین است. بیش‌تر جوانانی که دین خود را حفظ نموده‌اند، خانواده دین‌دار داشته‌اند؛ در حالی که برخی از جوان‌های دین‌گریز، خانواده‌های دین‌گریز داشته‌اند.

متأسفانه در برخی خانواده‌ها بی‌توجهی به دین به صورت یک عادت در آمده و در طول سال سخنی از مسائل دینی به میان نمی‌آید و انجام فرایض دینی دیده نمی‌شود. طبیعی است در چنین فضایی بی‌اعتنایی به دین عادت می‌شود، حتی این امر در جامعه نیز ظهور می‌نماید، زیرا بسیاری از کارهای ناپسند تا در خانواده به صورت عادت در نیاید در اجتماع انجام نمی‌گیرد.

امام علی(ع) یکی از روش‌های تربیتی را عادت می‌داند و از آن به طبیعت دوم یاد می‌کند: «نفس خود را به امور نیک عادت دهید تا شرافت یابید و آخرت خود را آباد کنید و ستایش کنندگان را افزایش دهید.»^۵ از این رو اسلام سفارش می‌کند فرزندان را از کودکی به نماز و روزه عادت دهید تا تقید به فرایض در بزرگسالی بر آنان دشوار نگردد.^۶ استاد مطهری می‌گوید: این خود یک غفلت و اشتباه بزرگی است که امروز در اجتماع

۱. ر.ک. شهید مطهری، علل گرایش به مادیگری.

۲. محمدتقی فلسفی، جوان، ج ۱، ص ۴۱۱.

۳. همان، ص ۴۱۲.

۴. مجله پیوند، شماره ۲۶۰، ص ۱۸.

۵. غرالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۳۲۹.

۶. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۶۸.

ما که برای گفتن و نوشتن و خطابه و مقاله بیش از اندازه ارزش قائلیم و بیش از اندازه انتظار داریم. در حقیقت از زبان، اعجاز می‌خواهیم.^۷ ... ولی فرزندان ما بیش از آن که به گفتار ما نظر افکنند اعمال ما را زیر نظر می‌گیرند که گفته‌اند: بچه‌های ما آن‌گونه می‌شوند که ما هستیم، نه آن‌گونه که، می‌خواهیم.^۸

دکتر کارل می‌گوید: «از هم اکنون باید مسئله احیای تعلیمات عمومی را مورد نظر قرار داد. دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و دانشکده‌ها توانسته‌اند مردان و زنانی تربیت کنند که به خوبی از عهده رهبری صحیح زندگی برآیند. تمدن غرب به سوی انحطاط گراییده، زیرا نه مدرسه و نه خانواده، موفق به تربیت مردمی واقعاً متمدّن نشده است.»^۹

گرچه «کارل» از تعلیم و تربیت عمومی سخن می‌گوید، ولی تعلیم دین‌داری نیز از این کلیت مستثنا نیست.

۳- زمینه‌سازی در مراکز آموزشی

مدرسه به عنوان خانه دوم می‌تواند پل ارتباطی بین جوان و دین باشد، زیرا جوانان بیش‌تر اوقات خود را در محیط مدرسه و در تماس و گفت‌وگو با مربیان می‌گذرانند. بدیهی است که گفتار و کردار آنان تأثیر بیش‌تری دارد.

متأسفانه امروزه در مراکز آموزشی دو مقوله آموزش و پرورش از یک‌دیگر جدا شده و افراد خاصی خود را موظف به تربیت دینی نوجوانان و جوانان می‌دانند، از این‌رو در مدرسی که نماز جماعت اقامه می‌شود در نمازخانه فقط مربیان پرورشی و معلمان دینی حضور می‌یابند و دیگر معلمان حضور ندارند یا حضور آنان کم‌رنگ است. آیا معلمان ریاضی، انگلیسی، ورزش، فارسی و... در قبال تربیت دینی دانش‌آموزان وظیفه‌ای ندارند؟ اگر معلم ریاضی در کنار دانش‌آموزان در نماز جماعت حضور یابد قطعاً اثر او به مراتب بیش از مربیان پرورشی خواهد بود.

از سوی دیگر متصدیان امور مدارس باید به تربیت امور دینی بیش‌تر توجه کنند. متأسفانه در مدارس ما به آموزش دین آن‌طور که باید، بها داده نمی‌شود و مسئولان مدارس به تعلیمات دینی توجه ندارند. اگر از همان دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان به مسائل دینی بیش‌تر توجه شود، فرهنگ دین‌مداری نهادینه می‌شود و جوانان به امور دینی اهمیت بیش‌تری می‌دهند.

۴- پاسخ به شبهات و پرسش‌های بنیادین جوان

به طور کلی جوانان، ذهن خلاق و جست‌جوگری دارند و همواره به دنبال کشف حقیقت و حل مسائل و پاسخ‌گویی به شبهات خویش‌اند. جوان با دهه‌ها سؤال از جمله این که «من کیستم و از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم.» روبه‌رو است که برای این سؤال‌ها باید جواب قانع‌کننده‌ای ارائه داد.

علاوه بر آن امروز شبهه‌افکنی - در حوزه فرهنگ دینی - یکی از بارزترین جلوه‌های تهاجم فرهنگی در عرصه تربیت اسلامی است. در عصر حاضر دشمنان با بهره‌گیری از همه ابزارها مانند ماهواره و اینترنت، مبانی دینی جوانان را نشانه گرفته و سنگ‌های عقیدتی را فتح کرده‌اند، اما ما چه کرده‌ایم؟ ما باید قبل از این که دشمن شبهه ایجاد کند، شبهه‌شناسی و سپس شبهه‌زدایی نماییم و هیچ‌گاه حالت دفاعی نداشته باشیم و حال این که این‌گونه نیست.

البته این شبهات به قول استاد مطهری، گذرگاه خوبی هستند. اما عدم پاسخ‌گویی به آن‌ها یا در نظر نگرفتن روحیه جوانان در هنگام پاسخ‌گویی، موجب تزلزل در باورهای دینی آنان می‌گردد و پایه‌های تربیت دینی را سست می‌گرداند. جوان اگر احساس کند کسی هست که درد دلش را می‌شنود و پاسخ‌گوی سؤالات اوست، امیدوار می‌شود.

استاد مطهری می‌گوید: «ما امروز از این نسل گله داریم که چرا با قرآن آشنا نیست، چرا در مدرسه‌ها قرآن یاد نمی‌گیرند، حتی به دانشگاه هم که می‌روند از خواندن قرآن عاجزند. البته جای تأسف است که این‌طور است، اما باید از خودمان بپرسیم ما تاکنون چه اقدامی در این راه کرده‌ایم؟ آیا با همین فقه و شریعت و قرآن که در مدارس است توقع داریم نسل جوان با قرآن آشنایی کامل داشته باشد؟^{۱۰} قرآن از مؤمنان می‌خواهد که سخنانشان محکم و استوار باشد: «قولوا قولا سدیداً»^{۱۱}

۵- به کارگیری شیوه‌های کاربردی پیام‌رسانی دینی

متأسفانه در روش‌های تبلیغی و جذب جوانان، بیش‌تر از روش‌های کلیشه‌ای و تکراری استفاده می‌کنیم. همین امر در بی‌علاقگی و گریز جوانان از مسائل دینی، مؤثر بوده است. در برخی تحقیقات به ویژه تحقیقاتی که در آموزش و پرورش انجام پذیرفته، یکی از دلایل گریز دانش‌آموزان از نماز جماعت، سخنرانی‌های طولانی و تکراری مطرح شده است.^{۱۲} به عبارت دیگر ما هندسه گفتار با جوانان را به خوبی نمی‌دانیم و یا رعایت نمی‌کنیم. پرگویی، مکررگویی و ارتباط مستقیم امرانه و دستوری، باعث دل‌زدگی و دین‌گریزی جوانان می‌شود.

در یک نظرسنجی دیگر از دانش‌آموزان - که در مورد کسب اطلاعات درباره زندگی حضرت علی(ع) صورت گرفته است - معلوم گردید که سریال امام علی(ع) که از تلویزیون پخش شد، بالاترین نمره، و سخنان روحانیون، کم‌ترین نمره را به خود اختصاص داده است.

این موضوع، نگرش منفی جوانان را به روش متعارف تبلیغ دینی می‌رساند و ثابت می‌کند که دانش‌آموزان، علاقه کم‌تری برای شنیدن سخنان یا خواندن مطالب دارند.

۷. مطهری، ده گفتار، ص ۶۷.

۸. مجله پیوند، ش ۲۴۴، ص ۵۰.

۹. محمدتقی فلسفی، جوان، ج ۱، ص ۲۷۵.

۱۰. مطهری، ده گفتار، ص ۱۸۹.

۱۱. احزاب (۳۳) آیه ۷۰.

۱۲. بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۰.

ما باید برای تقویت باورهای دینی از هنر، فیلم و ابزارهای هم‌سو با شرایط زمان استفاده کنیم؛ مثلاً یکی از راه‌ها، استفاده از گفت‌وگویی مستقیم دو نفری و به اصطلاح تبلیغ چهره به چهره است. وقت آن رسیده که در سطح وسیع از این تجربه ارزش‌مند استفاده شود. ائمه جماعات مساجد و مسئولان تربیتی با اتخاذ روش ابتکاری، مجالس را به صورت پرسش و پاسخ برگزار نمایند.

یکی از رموز موفقیت روحانیون در سال‌های دفاع مقدس در همین امر نهفته است. آن‌ها با رزمندگان نشست و برخاست داشتند و به اصطلاح امروزی با آن‌ها دم‌خور بودند. از این‌رو رزمندگان به محض شنیدن صدای اذان، با عشق و علاقه به نمازخانه‌ها روی می‌آوردند و ندای وحدت سر می‌دادند.

۶ - معرفی صحیح سیره و گفتار معصومان(ع)

ما می‌دانیم گوشت و پوست مردم ما به ویژه جوانان، با عشق و محبت به اهل بیت(ع) آمیخته است. از سوی دیگر معارف اهل بیت(ع) به گونه‌ای غنی است که اگر دقیق و صحیح معرفی شود جوانان به دین بیش‌تر توجه می‌کنند. امام رضا(ع) فرمود: «اگر مردم زیبایی‌های کلام ما را بدانند، از ما پیروی می‌کنند.»^{۱۳}

شخصی به نام خیمه می‌گوید: بر امام باقر(ع) وارد شدم. حضرت فرمود: «ای خیمه! شیعیان ما محبت در دلشان افکنده می‌شود و آنان ما را دوست دارند، در حالی که ما را ندیده و کلام ما را نشنیده‌اند. اگر آنان ما را ببینند و کلام ما را بشنوند، بر هدایت آنان افزوده می‌شود.»^{۱۴} امام رضا(ع) نیز فرمود: «تقوا و ورع را مراعات کنید. امانت‌دار و راست‌گو باشید. نسبت به همسایه‌ها خوش‌رفتار باشید. این‌ها چیزهایی است که محمد(ص) بدان‌ها سفارش کرده است. در بین مردم نماز را برپا کنید و به دیدار خویشان خود بروید و به عیادت مریضان بروید. در تشییع جنازه‌ها شرکت کنید. زینت ما باشید و باعث زشتی و وهن ما نباشید. ما را پیش چشم مردم، بد جلوه ندهید و باعث نشوید که مردم به ما بدبین شوند.»^{۱۵}

۷ - همدلی با جوان

جوان، موجودی عاطفی، زود رنج و شکننده است. اگر با جوان با همدلی و احترام برخورد شود به سهولت می‌توان در قلب او نفوذ کرد. پیامبر اکرم(ص) توصیه فرمود: «علیکم بالشبان خیراً فانهم ارق افئده ان الله بعثنی بشیراً و نذیراً ماخالفنی الشبان و خالفنی الشیوخ»^{۱۶} بر شما باد به جوانان که قلب آنان رقیق‌تر و آماده پذیرش خیر است. وقتی خداوند مرا برای انذار و بشارت مردم مبعوث کرد سال‌خورده‌ها با من مخالفت کردند، اما جوانان با من پییمان بستند. بر این اساس لازم نیست آموزه‌های دینی و تکالیف شرعی را بر جوانان تحمیل کرد که این امر عکس‌العمل منفی دارد، بلکه کافی است آن‌ها را به صورت جذاب، عرضه نمود و در کنار هدایت، بر همدلی تأکید ورزید.

۸ - انعطاف‌پذیری

همدلی بدون انعطاف‌پذیری، ممکن نیست. جوان به حکم جوان بودن در معرض خطا و لغزش است. از این‌رو امام علی(ع) می‌فرماید: «جهل الشباب معذور و علمه محقور»^{۱۷} نادانی جوان، غیر قابل ملامت و علم او اندک است. خداوند به پیامبر رحمتش می‌فرماید: «اگر سخت‌دل و ترش‌روی بودی همه از تو دور و پراکنده می‌شوند.»^{۱۸}

مربی باید با تحمل و بردباری و انعطاف‌پذیری، با جوانان بزرگوارانه برخورد کند و چون پدری دل‌سوز دست نوازش بر سر آنان بکشد و «ارتباط عاطفی» را بر ارتباط دستوری و خشک، مقدم دارد، زیرا هرگز نمی‌توان با خشم و خشونت، با جوان مواجه شد و به او آموزه‌های دینی را آموزش داد، چون روح جوان بسیار آسیب‌پذیر است و در برابر برخورد قهرآمیز واکنش نشان می‌دهد. از این‌رو باید مواظب بود در هنگام بیان مسائل دینی لطمه‌ای به شخصیت جوان وارد نشود. بهتر است در هنگام تعلیم مسائل دینی از جملاتی مانند «این سخن در شأن شما نیست» و «شأن شما بالاتر از این‌هاست»، «شما سرمایه‌های این مملکت هستید و جامعه و تاریخ به شما امید دارد» استفاده شود.

۹ - میانه‌روی

در هدایت نسل جوان همان‌گونه که باید به سلیقه‌ها و علاقه‌های آنان توجه کرد و امر رشد و تربیت آنان را با مقتضیات ذات و جوهرشان هم‌آهنگ ساخت، باید از ایجاد شخصیت کاذب و توقع بی‌جا نیز پرهیز نمود.

هم‌چنین دین را نباید به صورت خشک و خشن معرفی نمود، زیرا اسلام دین ستم و سهل است. متأسفانه گاهی دین به صورتی معرفی می‌شود که برخی جوانان آنان را خشک و سخت و حتی غیر مفید می‌دانند. استاد مطهری داستانی را نقل می‌کند که گویای این حقیقت است: یکی از مقدس‌ها شخصی را که به مسجد می‌آمد و نماز جماعتش ترک نمی‌شد سرزنش کرد که اگر مسلمانی، چرا ریشت را این‌طور کرده‌ای؟ او از همان‌جا سجاده را بر می‌دارد و می‌گوید: این مسجد و این نماز جماعت و این دین و مذهب مال خودتان، رفت که رفت.^{۱۹}

بدین‌سان آنان که منادیان و ناشران فرهنگ اسلام هستند باید راه‌های معرفی اسلام را بلد باشند و در معرفی آن اعتدال را رعایت کنند. خوش‌بختانه دین واقع‌بین اسلام به نکات دقیقی پرداخته که بسیار کارگشاست. وقتی امام علی(ع) با خدمت‌کارش قنبر برای خرید لباس به بازار رفتند و دو پیراهن دو دره‌می و سه دره‌می خریداری نمودند، امام(ع) پیراهن سه دره‌می را به قنبر دادند. قنبر گفت: شما به آن سزاوارتری،

۱۳. همان، ج ۲۴، ص ۱۵۱.

۱۴. همان، ج ۷۸، ص ۳۴۸.

۱۵. مجله پیوند، شماره ۲۴۳، ص ۳۲.

۱۶. محجة البیضاء، ج ۳، ص ۱۲۲.

۱۷. غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۳۶۷.

۱۸. آل عمران (۳) آیه ۱۵۹.

۱۹. حماسه حسینی، ج ۲، ص ۱۰۱.

چون شما بالای منبر می‌روی و خطبه می‌خوانی. امام (ع) در پاسخ فرمود: «انت شاب و لك شره الشباب»^{۲۰} تو جوان هستی و میلجویانی داری.»

۱۰ - هم‌آهنگی گفتار و کردار والدین و مربیان تربیتی

جوانان تمام مسائل را زیر ذره‌بین انتقاد و موشکافی قرار می‌دهند و در اصول و بنیان‌های اعتقادی خود هیچ‌گونه تسامح و سهل‌انگاری را روا نمی‌دارند. عطش جوانان به مذهب در صورتی سیراب می‌شود که صداقت و خلوص را در همه امور مشاهده کنند، اما اگر با ناهم‌خوانی و تضاد در گفتار و عمل مذهبی روبه‌رو شوند، یا در اعتقاد خود سست می‌شوند و یا صدای خود را به اعتراض بلند می‌کنند...^{۲۱}

عدم هم‌آهنگی میان گفتار و کردار، نصیحت مربیان را بی‌اعتبار می‌کند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «به وسیله عمل خود راهنما و راهبر مردم به سوی فضیلت‌ها شوید و تنها دعوت‌گر زبانی نباشید».^{۲۲} مربی دینی زمانی موفق است که کلام او از طرف خودش یا هم‌صنفان او نقض نشود و بین گفتار و رفتار هم‌آهنگی باشد.

۱۱ - جلب اعتماد و احترام به عقاید جوان

آموزش مسائل دینی در صورتی مفید است که اعتماد جوان جلب شود. بدون جلب اعتماد نمی‌توان در جوان نفوذ کرد، از این‌رو امام علی (ع) می‌فرماید: «دل‌های مردم وحشی است، پس هر کسی بتواند با آن‌ها الفت برقرار کند، به او روی خواهند آورد».^{۲۳} برای این کار باید به جوان شخصیت داد و از به کار بردن الفاظ تحقیرآمیز خودداری کرد.

هم‌چنین یکی از خواست‌های طبیعی نوجوانان و جوانان این است که مانند بزرگسالان به عقایدشان احترام گذاشته شود. گاهی جوان بر عقیده خود پافشاری می‌کند، چون آن را حق می‌داند. گرچه از دید مربیان و معلمان، آن نظریه باطل است. اما باید توجه داشت که توهین کردن به عقیده و نظر او توهین به همه وجودشان خواهد بود. از این‌رو اسلام به مسلمانان دستور می‌دهد که به عقاید همگان احترام بگذارند و حتی از توهین کردن به بت‌پرست‌ها خودداری کنند.

۱۲ - بیان فلسفه احکام

علی‌رغم این‌که جوانان زمینه‌گرایش به امور مذهبی و دین را دارند، لکن روح جست‌وجوگری نیز دارند. از این‌رو مطالبی را بهتر قبول می‌کنند که کاربردی و توأم با استدلال باشد؛ بدین منظور که مسائل دینی در کنار مسائل علمی و به صورت تطبیقی بیان شود. از این‌رو لازم است تا آن‌جا که امکان دارد فلسفه و حکمت احکام و تعالیم دینی تبیین شود تا جوان ضمن قبول آموزه‌های دینی، با آگاهی، بینش، بصیرت و با انگیزه قوی‌تر به تعالیم دین روی آورند. این امر می‌تواند که مربیان و روحانیان با مطالعات گسترده به بیان آموزه‌ها و تعلیمات دین بپردازند.

۱۳ - بیان اهداف دین و نقش آن در زندگی

در تربیت دینی جوانان باید به این اصل مهم توجه داشت که دین، نیاز به تبیین و میزان تأثیرگذاری آن در زندگی جوان دارد. از این‌رو پیش از آن‌که بگوییم دین اسلام جامع‌ترین، کامل‌ترین و نیکوترین دین‌هاست، باید بگوییم دین اسلام چیست و اهداف آن کدام است؟ این دین است که بهیابیدها و نبایدهای انسان جواب می‌دهد، جهان و انسان را هدف من می‌داند و نقشی اساسی در زندگی مادی و معنوی انسان دارد؟ اگر حقیقت دین و نقش آن در زندگی و خوش‌بختی انسان و اصلاح معاش و... به درستی تبیین گردد، فطرت دین‌گرا و خداجویی جوانان آن را به راحتی می‌پذیرند.

محورهای پژوهش:

لطفاً فقط یکی از محورهای زیر را انتخاب کرده و درباره آن مقاله بنویسید.

- ۱ - علل دین‌گریزی جوانان.
- ۲ - علل و زمینه‌های جذب جوانان به دین.
- ۳ - آسیب‌ها و موانع گرایش جوانان به دین.
- ۴ - نقش مسئولان در دین‌گریزی جوانان.
- ۵ - علل افول معنویت در جوانان.
- ۶ - وظایف حکومت برای جذب جوانان به دین.
- ۷ - وظایف والدین برای جذب فرزندان به دین.
- ۸ - وظایف حوزه‌های علمیه در گسترش دستورهای دین میان جوانان.

منابع پژوهش:

- ۱ - شهید مطهری، ده گفتار؛ بیست گفتار.
- ۲ - محمدتقی فلسفی، جوان، ج ۱ و ۲؛ بزرگسالان و جوانان، ج ۱ و ۲.
- ۳ - محمدرضا شریفی، جوان و بحران هویت؛ دنیای جوان؛ جوان در چهار راه زندگی.
- ۴ - احمد احمدی، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان.

۵. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹۳.

۶. احمد احمدی، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، ص ۶۲.

۲۲. سفینة البحار، ج ۲، ص ۲۷۸.

۲۳. نهج البلاغه، قصار ۴۷.

- ۵ - محمدجواد طیبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت(ع).
- ۶ - احمد لقمانی، جوان، پرسش‌ها و پاسخ‌ها.
- ۷ - علی اصغر احمدی، روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی.
- ۸ - ابراهیم ناصر، بررسی تطبیقی تربیت دینی.
- ۹ - محمد سبحانی‌نیا، بررسی مسائل جوانان.
- ۱۰ - رضا فرهادیان، والدین و مربیان مسئول.
- ۱۱ - علی قائمی، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان.
- ۱۲ - محمدرضا قائمی، روش‌های آسیب‌زا در تربیت.

* * *



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی